

بررسی تمثیل «خامه الزرع» در روایات شیعی و مفاد آن

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۳/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۱

عباس پسندیده^۱

چکیده

در توصیف مؤمن روایاتی گوناگون در اشکالی متنوع وجود دارد که یکی از آن‌ها تشبیه مؤمن به خامه الزرع است. هدف این پژوهش بررسی فقه‌الحدیثی این متون است. روش تحقیق کتاب‌خانه‌ای و از نوع تحلیل محتوا است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که این تشبیه یازده گزارش در منابع شیعی دارد که در سه موضوع متفاوت (ثبات ایمان، مواجهه با بلا و توانمندی مؤمن) صادر شده‌اند. به جز موضوع سوم، اعتبار احادیث موضوع اول و دوم بالا و مورد قبول است. مراد از این تشبیه نرمی و انعطاف‌پذیری مؤمن است، اما این ویژگی در موضوع ایمان و توانمندی، به معنای سست‌عنصری و صفتی منفی، و در بلاها به معنای پذیرش و تسلیم هوشمندانه و صفتی مثبت است. نتیجه پژوهش در حوزه فقه‌الحدیث این است که یک تمثیل ممکن است در دو کاربرد متفاوت، معنایی متضاد داشته باشد، و در حوزه عملی این که ویژگی انعطاف و سرسختی در انسان را باید مدیریت کرد.

کلیدواژه‌ها: مؤمن، خامه الزرع، انعطاف‌پذیری، فقه‌الحدیث.

۱. بیان مسأله

ایمان، مصدر از ماده «أمن» است که بردو معنای نزدیک به هم دلالت دارد: یکی آرامش دل و دیگری تصدیق؛ زیرا انسان چیزی را تصدیق می‌کند و بر آن گواهی می‌دهد که به آن، اطمینان داشته باشد و دلش آرام گیرد. متون دینی کلمه «ایمان» را در معنای لغوی آن، یعنی

۱. دانشیار دانشگاه قرآن و حدیث (pasandide@hadith.ir).

«تصدیق»، به کار برده‌اند؛ با این تفاوت که در قرآن کریم، گاه این واژه، در تصدیق شریعتی به کار رفته که بر خاتم انبیا نازل شده، گاه در تصدیق قلبی و زبانی و عملی حقایق دینی، گاه در تصدیق قلبی حقایق دینی، گاه در تصدیق زبانی، گاه در تصدیق تقویت شده قلبی جدا از عمل، گاه در تصدیق عملی حقایق دینی، گاه در تصدیق مدعا، و سرانجام، گاه در تصدیق حق یا تصدیق باطل. در احادیث نیز ایمان، گاه در باور قلبی حقایق غیبی و تصدیق آن‌ها، و گاه در باور قلبی و اقرار زبانی و عمل به مقتضای آن، و گاه در اقرار زبانی و عمل به مقتضای آن، گاه در عمل کردن به مقتضای باور قلبی، و گاه در باور قلبی ای به کار برده‌اند که عمل صالح، آن را تصدیق کند. بر این پایه، واژه «ایمان» در متون دینی عبارت است از تصدیق حقایق که پیامبر خاتم از جانب خداوند، برای هدایت انسان‌ها آورده، همراه با باور قلبی و التزام عملی.^۲

احادیث اسلامی، در تبیین ارزش ایمان، نکات قابل تأملی را مانند: «أَحَبُّ الْأَشْيَاءِ إِلَى اللَّهِ»، «لَا يُعْطِيهِ إِلَّا مَنْ أَحَبَّهُ»، «أَعْلَى غَايَةٍ»، «أَعْلَى الشَّرَفِ»، «أَفْضَلُ الذَّخِيرَةِ» و «تَمَنُّ الْجَنَّةِ» مطرح کرده‌اند. همچنین در باره عظمت اهل ایمان و جایگاه آنان نزد خداوند متان، روایت شده که «قَلْبُ الْمُؤْمِنِ عَرْشُ الرَّحْمَنِ؛ دَلُّ مُؤْمِنٍ، عَرْشُ خَدَّاسْتِ» و «الْمُؤْمِنُ أَعْظَمُ حُرْمَةً عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْكَعْبَةِ وَ مِنَ الْمَلِكِ الْمُقَرَّبِ؛ حُرْمَتُ مُؤْمِنٍ فِي بَيْتِ اللَّهِ خَيْرٌ مِنْ حُرْمَةِ كَعْبَةٍ وَ فَرَشْتَةٍ مُقَرَّبَةٍ» و «أَطْيَبُ الْأَشْيَاءِ رِيحاً فِي الْأَفَاقِ؛ خَوْشُ بُوْتَرَيْنِ فِي عَالَمٍ» است و...^۳ این همه فضیلت و ارزشمندی مربوط به کسانی است که ایمان واقعی داشته باشند. متون دینی در ترسیم سیمای واقعی مؤمن تلاش فراوانی کرده‌اند. در آیات و روایات اسلامی، طیفی از ویژگی‌ها را برای مؤمن بیان کرده‌اند که در کتاب‌های دینی^۴ بیان شده است؛ حتی گاه کسی مانند شیخ صدوق یک کتاب مستقل در این زمینه با نام المؤمن تألیف کرده است.

یکی از مسأله‌ها در این موضوع، شیوه بیان ویژگی‌هاست. برای بیان ویژگی‌ها از قالب‌ها و اسلوب‌های مختلفی استفاده شده که یکی از آن‌ها «تمثیل» است. «مبَرَد» از علمای بزرگ ادبیات عرب مثل را کلامی می‌داند که به وسیله آن حال دومی را به اولی تشبیه می‌کنند و

۲. دانشنامه قرآن و حدیث، ج ۸، ص ۸-۲۱.

۳. همان، ص ۲۶.

۴. برای نمونه رک: بحار الانوار، ج ۶۴، کتاب الایمان و الکفر؛ الکافی، ج ۳، کتاب الایمان و الکفر؛ دانشنامه قرآن و حدیث، ج ۸، مدخل الایمان؛ میزان الحکمة، ج ۱۰، مدخل الامثال.

اصل در آن، «تشبیه» است.^۵ سیوطی در کتاب *الاتقان* در این مورد می‌گوید:

مثل تصور معانی به شکل صورت‌های محسوس است؛ زیرا به خاطر کمک گرفتن از حواس، معانی در ذهن ماندگارتر می‌شوند. پس غرض از مثل، تشبیه کردن امر پنهان به امر آشکار و امر غایب از نظر به امر قابل مشاهده است.^۶

این قابلیت باعث شده بشر از هزاران سال پیش، برای آسان و سریع نمودن فهم موضوعات ظریف و پیچیده و اثرگذاری بیشتر در دل‌ها، از مَثَل‌های مختلف استفاده کرده است. در این مَثَل‌ها، مفاهیم ذهنی، به محسوسات که دیدنی هستند، تشبیه می‌شوند تا بهتر درک و فهمیده شوند.^۷ به دیگر بیان، یکی از عوامل پرجاذبه که نقش بسیار مهمی در انتقال تعالیم و مفاهیم دارد، «تمثیلات و تشبیهات» است که در هر زبان و کشوری بخشی از فرهنگ و ادبیات آن را تشکیل می‌دهد.^۸ به همین جهت متون دینی نیز در موارد مختلفی از تمثیل استفاده کرده است.

در متون دینی یکی از مواردی که از تمثیل استفاده شده است، توصیف ویژگی‌های مؤمن است. فصل ششم از بخش پنجم کتاب حکمت نامه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به بیان تمثیل‌های حضرت برای بیان ویژگی‌های مؤمن اختصاص یافته که دارای بیش از شصت حدیث و آیه است. از جمله این تمثیلات، تشبیه مؤمن به «خامه الزرع» و «السنبله» است. این روایات، در حدّ شروح حدیثی در منابعی مانند *شروح الکافی* و *بحار الانوار* مورد توجه قرار گرفته‌اند. سؤالاتی که مطرح است: این تمثیل چند نقل دارد؟ میزان اعتبار هر نقل کدام است؟ مفاد آن چیست؟

این پژوهش از نوع تحقیقات کتابخانه‌ای است که با روش تحلیل محتوا صورت می‌پذیرد. در این تحلیل از مدل فهم حدیث مسعودی و طباطبایی استفاده می‌شود. مهم‌ترین مراحل این مدل عبارت است از: گردآوری خانواده حدیث، یافتن معتبرترین متن یا متن‌ها، مشخص کردن میزان اعتبار نقل یا نقل‌ها، فهم مفردات و ترکیبات، شروح حدیثی و فهم پیشینیان و مانند آن‌ها. در این پژوهش نخست خانواده حدیث تشکیل شد و سپس احادیث دسته‌بندی شدند و در مراحل بعدی، هر کدام از احادیث مورد بررسی قرار گرفته‌اند

۵. امثال القرآن، ص ۱، به نقل از مقدمه مجمع الامثال میدانی.

۶. الاتقان فی علوم القرآن، نوع شصت و ششم (فی امثال القرآن).

۷. از قرآن بیشتر بدانیم، ص ۱۶۸، ۱۶۹.

۸. مثل‌های آسمانی، ص ۹ و ۱۰.

که گزارش آن را در ادامه مشاهده خواهید کرد.

۲. یافته‌های پژوهش

در این پژوهش مشخص شد که چند حدیث و چند دسته حدیث در این باره وجود دارد و اعتبار هر گروه چقدر است و مراد از هر دسته چیست. از این رو یافته‌های این پژوهش در سه حوزه خانواده حدیث، اعتبار احادیث و بررسی متن احادیث در ادامه گزارش می‌شوند:

۲-۱. خانواده حدیث

گاهی مجموعه‌ای از روایات معصومان علیهم‌السلام به اعتبارهای گوناگون، دور محور مشترکی قرار می‌گیرند. در چنین مواردی اصطلاح خانواده حدیث معنا می‌یابد. خانواده حدیث یعنی مجموع متون مشابه و مرتبط با یک موضوع.^۹ وجه اشتراک اصلی این احادیث، نظر داشتن آن‌ها به یک موضوع محوری است.^{۱۰} بنابراین، هرگاه مجموعه‌ای از روایات اهل بیت علیهم‌السلام دور یک محور مشترک قرار گرفته و با هم مرتبط باشند، خانواده حدیث شکل گرفته است و محقق باید آن را کشف کند.^{۱۱} البته این محور مشترک می‌تواند متعدد بوده و در هر پژوهشی با پژوهش دیگر تفاوت داشته باشد. نوع نیازی که در مطالعات حدیثی وجود دارد، تعیین کننده این محور مشترک است و لذا خانواده حدیث در هر پژوهشی با پژوهش دیگر متفاوت خواهد بود. یکی از انواع خانواده حدیث، خانواده حدیث تک موضوع است. مراد از موضوع، سرفصل‌هایی از معارف اسلامی هستند که ابعاد و شاخه‌های مختلف داشته و در باره هر کدام، چند یا چندین حدیث وجود دارد.^{۱۲}

نوع دیگر، خانواده حدیث تک متن است. مراد از تک متن، یک حدیث با مضمونی مشخص است که ممکن است نقل‌های گوناگون داشته باشد. این تعدد و گوناگونی، گاه به این خاطر است که هر چند ممکن است یک حدیث یک بار توسط معصوم علیه‌السلام بیان شده، اما چند گزارش در باره آن وجود دارد. این تعدد ممکن است به خاطر متعدد بودن راویان و

۹. منطق فهم حدیث، ص ۱۴۶.

۱۰. روش فهم حدیث، ص ۱۵۰.

۱۱. فقه الحدیث ۳، ص ۲۱.

۱۲. به عنوان نمونه، عناوینی مانند ادب، تواضع، تقوا، توکل، انصاف، امید و... یک موضوع به شمار می‌روند. در هر کدام از این‌ها مسائل مختلفی مانند فضیلت، ترغیب، عوامل، موانع، آثار و... وجود دارد و در باره هر یک نیز تعدادی حدیث صادر شده است (همان، ص ۲۶).

تفاوت گزارش آن‌ها با یکدیگر، یا متفاوت بودن گزارش حدیث در منابع مختلف باشد. و گاه بدین جهت است که یک سخن ممکن است چندبار توسط یک معصوم و حتی معصومان دیگر صادر شده باشد.^{۱۳} موضوع این پژوهش از گونه دوم است. از این رو باید همه گزارش‌های آن گردآوری شود و در باره آن بحث شود.

گردآوری احادیث موضوع این پژوهش نشان داد که در مجموع، یازده نقل در تمثیل مؤمن به «خامه الزرع» وجود دارد. این مجموعه فقط از منابع شیعی است. در ادامه، این متون را با نقل‌های مختلف آن‌ها گزارش می‌کنیم:

مرحوم کلینی در *الکافی*، در دو موضع سه حدیث از روایات خامه الزرع را گزارش کرده است.

۱. در باب ۱۰۴ کتاب الایمان و الکفر، به نام «فی ان المؤمن صنفان» دو حدیث نقل شده است. در حدیث اول این باب چنین آمده است:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ، عَنْ نُصَيْرِ أَبِي الْحَكَمِ الْخَطَمِيِّ: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنَانِ: فَمُؤْمِنٌ صَدَقَ بِعَهْدِ اللَّهِ، وَوَفَى بِشَرْطِهِ، وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ» فَذَلِكَ الَّذِي لَا تُصِيبُهُ أَهْوَالُ الدُّنْيَا وَلَا أَهْوَالُ الْآخِرَةِ، وَ ذَلِكَ مِمَّنْ يَشْفَعُ وَلَا يَشْفَعُ لَهُ؛ وَ مُؤْمِنٌ كَخَامَةِ الزَّرْعِ تَعْوَجُ أَحْيَانًا، وَ تَقُومُ أَحْيَانًا، فَذَلِكَ مِمَّنْ تُصِيبُهُ أَهْوَالُ الدُّنْيَا وَأَهْوَالُ الْآخِرَةِ، وَ ذَلِكَ مِمَّنْ يَشْفَعُ لَهُ وَلَا يَشْفَعُ لَهُ».

۲. در حدیث دوم این باب چنین آمده است:

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ خَالِدِ الْعَمِّيِّ، عَنْ حَضِرِ بْنِ عَمْرٍو: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنَانِ: مُؤْمِنٌ وَفَى لِلَّهِ بِشُرُوطِهَا الَّتِي اشْتَرَطَهَا عَلَيْهِ، فَذَلِكَ مَعَ التَّيْبِينِ وَالصِّدْقِ وَالشُّهَادَةِ وَالصَّالِحِينَ، وَ حَسَنٍ أَوْلَيْكَ رَفِيقًا، وَ ذَلِكَ مِمَّنْ يَشْفَعُ وَلَا يَشْفَعُ لَهُ، وَ ذَلِكَ مِمَّنْ لَا تُصِيبُهُ أَهْوَالُ الدُّنْيَا، وَ لَا أَهْوَالُ الْآخِرَةِ؛ وَ مُؤْمِنٌ زَلَّتْ بِهِ قَدَمٌ، فَذَلِكَ كَخَامَةِ الزَّرْعِ، كَيْفَمَا كَفَأَتْهُ الرِّيحُ انْكَفَأَ، وَ ذَلِكَ مِمَّنْ تُصِيبُهُ أَهْوَالُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَ يَشْفَعُ لَهُ وَ هُوَ عَلَى حَيْرٍ.

۳. موضع دیگر، باب ۱۰۶ کتاب الایمان و الکفر به نام «شدة ابتلاء المؤمن» است. در حدیث ۲۵ این باب چنین آمده است:

عَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيْرٍ، عَنْ حُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ

مُسْكَانَ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ خَامَةِ الزَّرْعِ تُكْفِيهَا الرِّيحُ كَذَا وَكَذَا، وَكَذَلِكَ الْمُؤْمِنُ تُكْفِيهِ الْأَوْجَاعُ وَالْأَمْرَاضُ؛ وَمَثَلُ الْمُنَافِقِ كَمَثَلِ الْإِرْزَبَةِ الْمُسْتَقِيمَةِ الَّتِي لَا يَصِيبُهَا شَيْءٌ حَتَّى يَأْتِيَهُ الْمَوْتُ، فَيَقْصِفُهُ قَاصِفًا.

مرحوم طبرسی در کتاب مشكاة الأنوار فی غرر الأخبار در دو موضع چهار حدیث از احادیث خامه الزرع را نقل کرده است:

۴. یکی باب هفتم است که آن را به «فی ذکر المصائب والشدائد والبلايا وما وعد الله من الثواب و ذکر الموت» اختصاص داده و در فصل دوم این باب با عنوان «فی فضل المرض و کتمانها» چنین نقل کرده است:

عَنْهُ ابْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ خَامَةِ الزَّرْعِ تُكْفِيهَا الرِّيحُ كَذَا وَكَذَا وَالْمُؤْمِنُ تُكْفِيهِ الْأَوْجَاعُ وَالْأَمْرَاضُ وَمَثَلُ الْمُنَافِقِ كَمَثَلِ الْإِرْزَبَةِ الْمُسْتَقِيمَةِ الَّتِي لَا يَصِيبُهَا شَيْءٌ حَتَّى يَأْتِيَهُ الْمَوْتُ فَيَقْصِفُهُ قَاصِفًا.^{۱۴}

۵. موضع دیگر، فصل ششم همین باب است که «الابتلاء و الاختبار» نام دارد. در این فصل سه حدیث نقل شده است؛ یکی از آن ها بدین شرح است:

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: الْمُؤْمِنُ كَخَامَةِ الزَّرْعِ تَنْكِفِي وَتَعْدِلُ وَ الْكَافِرُ كَالْإِرْزَبَةِ صَحِيحٌ مُصَحَّحٌ حَتَّى يَأْتِيَهُ الْمَوْتُ إِلَى النَّارِ.^{۱۵}

۶. و دیگری با تفصیلی بیشتر، زمینه صدوری نیز برای آن ذکر کرده است:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ رَجُلًا أَقْبَلَ إِلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله فَقَالَ النَّبِيُّ لَهُ مَتَى عَهْدُكَ بِأُمَّ مَلْدَمَ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا أُمَّ مَلْدَمَ فَقَالَ صَدَاقُ هَاهُنَا وَسَخْنُهُ عَلَى الرَّأْسِ وَالصَّدْرِ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا لِي بِهَذَا مِنْ عَهْدٍ ثُمَّ أَذْبَرَ مَوْلِيًا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ لِحُلَسَائِهِ مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى رَجُلٍ مِنَ أَهْلِ النَّارِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى هَذَا الْمُؤَلَّى ثُمَّ قَالَ إِنَّ مَثَلِ الْمُنَافِقِ كَمَثَلِ جَذَعٍ أَرَادَ صَاحِبُهُ أَنْ يَنْتَفِعَ بِهِ فِي بَعْضِ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ فِي بِنَايَةٍ فَلَمْ يَسْتَقِمْ لَهُ فِي ذَلِكَ فَيَحْوِلُهُ إِلَى مَوْضِعٍ آخَرَ فَلَمْ يَسْتَقِمْ لَهُ فَكَانَ آخِرُ ذَلِكَ أَنْ يَحْرِقَهُ بِالنَّارِ وَمَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ خَامَةِ الزَّرْعِ يَهَيِّجُهَا الرِّيحُ فَتَنْكِفِي يَعْنِي يَقْلِبُهَا الرِّيحُ حَتَّى يَأْتِيَ عَلَيْهَا أَوَانُهَا فَيُخَصِّدُ.^{۱۶}

۱۴. مشكاة الأنوار فی غرر الأخبار، ص ۲۸۰.

۱۵. همان، ص ۲۹۲.

۱۶. همان، ص ۲۹۴.

۷. و چهارمی بلافاصله پس از حدیث نخست چنین آمده است:

عَنْهُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ خَامَةِ الزَّرْعِ تُكْفِيهَا الرِّيحُ كَذَا وَكَذَا وَ الْمُؤْمِنُ
تُكْفِيهِ الْأَوْجَاعُ وَالْأَمْرَاضُ حَتَّى يَأْتِيَهُ الْمَوْتُ وَمَثَلُ الْمُتَأَفِّقِ كَالْإِرْزَبَةِ الْمُسْتَقِيمَةِ الَّتِي لَا
يُصِيبُهَا شَيْءٌ حَتَّى يَأْتِيَهُ الْمَوْتُ فَيَقْصِفُهُ قَصْفًا.^{۱۷}

۸. در کتاب جامع الاخبار نیز در آخرین باب با عنوان «نوادر» چنین گزارش شده است:

وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَثَلُ الْمُؤْمِنِ الْقَوِي كَالْتَّحْلَةِ وَمَثَلُ الْمُؤْمِنِ الضَّعِيفِ كَخَامَةِ الزَّرْعِ.

۹. در کتاب شرح الاخبار نیز چنین گزارش شده است:

ابن الحكم الحنعمي، عن أبي عبد الله جعفر بن محمد عليه السلام، أنه قال: الْمُؤْمِنُونَ رَجُلَانِ فَمَنْ
صَدَقَ مَا عَاهَدَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ وَفَى بِشَرْطِهِ لَهُ فَهُوَ يَمُنُّ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ
صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ وَ ذَلِكَ يَمُنُّ لَا يُصِيبُهُ أَهْوَالُ الدُّنْيَا وَأَهْوَالُ الْآخِرَةِ، وَ يَمُنُّ
يُشْفَعُ وَ لَا يُشْفَعُ لَهُ. وَ مُؤْمِنٌ كَخَامَةِ الزَّرْعِ يَعُوجُ أَحْيَانًا وَ يَقُومُ أَحْيَانًا، فَذَلِكَ يَمُنُّ بِصِيبِهِ
أَهْوَالُ الدُّنْيَا وَأَهْوَالُ الْآخِرَةِ وَ هُوَ يَمُنُّ بِشَفْعِهِ لَهُ.^{۱۸}

جست و جوی در منابع نشان داد که این موضوع با واژه‌هایی غیر از خامه‌ی زرع و مانند آن
نیز آمده است. این دستاورد نتیجه جست و جوی معنایی و نه لفظی است. در برخی متون،
این تشبیه و تمثیل با واژه «السنبله» آمده است که در ادامه مشاهده می‌کنید:

۱۰. ابن اسکافی در نخستین باب کتاب التمهیص با عنوان «سرعة البلاء إلى المؤمن»
چنین گزارش کرده است:

عَنْ جَابِرِ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ: مَثَلُ الْمُؤْمِنِ (مَثَلُ السُّبُّلَةِ تَحْرُ مَرَّةً وَ تَسْتَقِيمُ أُخْرَى) وَ مَثَلُ
الْكَافِرِ مَثَلُ الْأُرْزَةِ لَا يَزَالُ مُسْتَقِيمًا.^{۱۹}

۱۱. در کتاب جامع الاخبار نیز پس از حدیثی که با تعبیر خامه‌ی زرع آورده و پیشتر
گذشت، حدیث دیگری با تعبیر السنبله گزارش کرده است:

وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَالسُّبُّلَةِ يَحْرُكُهَا الرِّيحُ فَتَقُومُ مَرَّةً وَ تَقَعُ أُخْرَى وَ مَثَلُ الْكَافِرِ مَثَلُ
الْأُرْزَةِ وَ لَا يَزَالُ قَائِمَةً حَتَّى تُتَعَفَّرَ.^{۲۰}

۱۷. همان، ص ۲۹۵.

۱۸. شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار عليهم السلام، ج ۳، ص ۵۰۸.

۱۹. التمهیص، ص ۳۴.

۲۰. جامع الأخبار (للشعیری)، ص ۱۸۳.

۲-۲. بررسی اعتبار احادیث

هر چند احادیث مختلف این موضوع گردآوری و کنار هم قرار گرفتند، اما همه آن‌ها ارزش برابر ندارند. حدیث صحیح، هم عرض حدیث ضعیف نیست؛ همان گونه که حدیث موجود در کتب مقبول جایگاهی متفاوت با حدیث منقول از کتب غیر معتبر و متأخر دارد؛ زیرا اعتماد، اعتبار و اطمینان به متن اول بیشتر از متن دوم است.^{۲۱} از این رو، برای استناد به احادیث، باید تا حد امکان، اعتبار آن‌ها را بررسی کرد.

در علوم حدیثی همانند بسیاری از علوم دیگر، یقین کامل وجود ندارد مردم بر اساس وثوق و اطمینان عقلایی عمل می‌کنند. در حدیث نیز مهم‌ترین امر، وثوق به صدور حدیث از معصوم است. وثاقت صدور معیارهای مختلفی دارد که یکی از آن‌ها اعتبار سندی است. معیارهای دیگر عبارت‌اند از: قبول خبر توسط عالمان و اندیشمندان پیشین، علوم مضمون و اعتبار منبع. آنچه در این بررسی بیش از هر چیزی می‌تواند کمک کند، اعتبار سندی و اعتبار منبع است. اعتبار سندی را بر اساس کتاب‌هایی که به بررسی سندی پرداخته‌اند و نیز نرم افزار «درایة النور» انجام خواهیم داد. اعتبار منبع نیز بر اساس سند اعتبار منابع دارالحدیث^{۲۲} صورت می‌گیرد. مدل ارزش‌گذاری متون در این سند، دورکن اساسی دارد: درجه و رتبه. بر این اساس، منابع به سه درجه الف، ب و ج و رتبه از یک تا نه دسته‌بندی می‌شوند.

نتیجه این بررسی را در جدول زیر مشاهده می‌کنید:

جدول اعتبار روایات مختلف خامه الزرع

اعتبار منبع	اعتبار سندی	حدیث	دسته
الف/۱	مسند و صحیح	الکافی / کتاب الایمان و الکفر / باب ۱۰۶ / ح ۲۵	مواجهه با بلا
ب/۸	مرسل	مشکاة الأنوار / باب هفتم / فصل دوم	
ب/۸	مرسل	مشکاة الأنوار / باب هفتم / فصل ششم / ح ۱	
ب/۸	مرسل	مشکاة الأنوار / باب هفتم / فصل ششم / ح ۲	
ب/۸	مرسل	مشکاة الأنوار / باب هفتم / فصل ششم / ح ۳	
ج/۲	مرسل	جامع الاخبار	
الف/۱	مسند و ضعیف	الکافی / کتاب الایمان و الکفر / باب ۱۰۴ / ح ۱	ثبات ایمان
الف/۱	مسند و ضعیف	الکافی / کتاب الایمان و الکفر / باب ۱۰۴ / ح ۲	
ج/۳	مرسل	شرح الاخبار	

۲۱. منطق فهم حدیث، ص ۲۵۱.

۲۲. رک: همان، ص ۲۷۷ به بعد.

دسته	حدیث	اعتبار سندی	اعتبار منبع
توانمندی انسان	جامع الاخبار / باب نوادر	مرسل	ج / ۲

همان‌گونه که ملاحظه می‌کنید، اعتبار سندی و منبعی احادیث مواجهه با بلا خوب است؛ زیرا سند و منبع حدیث *الکافی* از اعتبار بالایی برخوردار است و ضعف سندی و منبعی دیگر روایات آن اشکالی ایجاد نمی‌کند و بلکه ضعف آن‌ها را می‌تواند جبران کند. در موضوع ثبات ایمان، اعتبار سند حدیث *الکافی*، بر اساس معیار وثاقت سندی ضعیف، ولی اعتبار منبع بالا است. از این رو می‌توان بر اساس معیار وثاقت صدور، اعتبار آن را بالا دانست. این اعتبار می‌تواند ضعف سندی و منبعی حدیث شرح الاخبار را نیز تقویت کند. و اما اعتبار حدیث موضوع توانمندی به لحاظ سند و منبع پایین است. البته مضمون آن با روایات موضوع ثبات ایمان هماهنگ تر است؛ زیرا در بار دو گروه از مؤمنان است و انعطاف را ویژگی مثبت نمی‌داند. اگر بتوانیم این روایت را به آن موضوع ملحق کنیم، ضعف آن جبران می‌شود، ولی یافته جدیدی به ما نمی‌دهد.

آنچه در مجموع می‌توان گفت، این که روایات موضوع مواجهه با بلا و موضوع ثبات ایمان از اعتبار بالایی برخوردارند و می‌توان به صدور آن‌ها از معصومان اطمینان حاصل کرد؛ اما اطمینان به صدور حدیث موضوع توانمندی دشوار است.

۲-۳. بررسی محتوای متن

هدف نهایی در حدیث پژوهی، فهم مقصود معصوم علیه السلام است. پس از بررسی اعتبار احادیث، باید به بررسی محتوایی آن‌ها پرداخت تا مراد معصوم علیه السلام به دست آید. احادیث یاد شده از یک منظر دو بخش مهم دارند: تمثیل *خامة الزرع* و بیان مراد از تمثیل. نخست معنای این تمثیل را روشن ساخته و سپس به تبیین مراد معصوم علیه السلام از این تمثیل می‌پردازیم.

۲-۳-۱. معنای *خامة الزرع*

نقطه محوری این احادیث، تمثیل *خامة الزرع* است. بر اساس نظر لغت‌شناسان *خامة* از ریشه خوم به معنای ساقه است و معنای «*خامة الزرع*» یا «*الخامة من الزرع*» ساقه‌های نرم گیاه است.^{۲۳} در احادیث کتب لغت نیز تعبیر «*خافت الزرع*» آمده بود. ماده «*خفت*» به

۲۳. *الخامة: الزطبة من التبات والزرع (معجم مقاییس اللغة، ج ۲، ص ۲۳۷؛ رک: الصحاح، ج ۵، ص ۱۹۱۶؛ النهاية، ج ۲، ص ۸۹؛ لسان العرب، ج ۱۲، ص ۱۹۲؛ المصباح المنیر، ص ۱۸۴؛ مجمع البحرین، ج ۶، ص ۶۰).*

معنای نرمی و ضعف است و خافت و خافئة یعنی گیاه نرم و ضعیفی که تازه روئیده و هنوز بلند نشده است.^{۲۴} بنابراین تفاوتی بین این دو تعبیر وجود ندارد و هر دو به یک معنا هستند. نکته ای که در ساقه نرم وجود دارد (و مؤمن به آن تشبیه شده)، قابلیت خم و راست شدن آن در اثر وزش باد است. وقتی باد می وزد، ساقه های نرم گیاهان به این سو و آن سو خم می شود، ولی به حالت نخستین باز می گردد. این حقیقت در خود احادیث نیز مورد تصریح قرار گرفته و به ویژه لغت شناسان از آن استفاده کرده اند؛ به عنوان نمونه این دو نقل در برخی کتاب های لغت آمده است:

فی الحدیث:

مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَخَامَةِ الزَّرْعِ تُقَيِّمُهَا الرِّيحُ مَرَّةً هُنَا وَمَرَّةً هُنَا.

و فی روایة:

كَالْخَامَةِ مِنَ الزَّرْعِ مِنْ حَيْثُ أَتَتْهَا الرِّيحُ تُقَيِّمُهَا. أَيْ تُحَرِّكُهَا وَ تُمِيلُهَا يَمِينًا وَ شِمَالًا.^{۲۵}

فی الحدیث:

مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَالْخَامَةِ مِنَ الزَّرْعِ، تَصْرَعُهَا الرِّيحُ مَرَّةً، وَ تَعْدِلُهَا أُخْرَى؛ أَيْ تُمِيلُهَا، وَ تَرْمِيهَا مِنْ جَانِبٍ إِلَى جَانِبٍ.^{۲۶}

ملا صالح مازندرانی نیز جمله «کیفما کفتته الريح انکفا» را - که در برخی این احادیث آمده - بیان گروجه شبه دانسته و معتقد است که این تشبیه تمثیلی برای انحراف و متمایل شدن هوس های نفسانی از مسیر درست است و مراد از باد، خطوراتی است که وی را از این سو بدان سو می برد.^{۲۷}

آنچه می توان نتیجه گرفت، این که وجه شباهت و محور تمثیل در این احادیث، نرمش و انعطافی است که در ساقه گیاه وجود دارد. این که با این تشبیه چه مقصودی بناست انتقال یابد، مسأله ای است که بعداً درباره آن سخن خواهیم گفت؛ آنچه اینجا مهم است، این

۲۴. النهایة، ج ۲، ص ۵۲؛ لسان العرب، ج ۲، ص ۳۱، مجمع البحرین، ج ۲، ص ۱۹۹؛ العین، ج ۴، ص ۲۳۹.

۲۵. تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱، ص ۲۱۵؛ النهایة فی غریب الحدیث والأثر، ج ۳، ص ۴۸۳؛ لسان العرب، ج ۱۴، ص ۱۳۷.

۲۶. تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۱، ص ۲۶۸؛ لسان العرب، ج ۸، ص ۱۹۷؛ النهایة فی غریب الحدیث والأثر، ج ۳، ص ۲۴.

۲۷. شرح الکافی، ج ۹، ص ۱۸۶.

یافته است که محور تمثیل، نرمش و انعطاف و برگشت پذیری است. این یافته به ویژه توسط نقطه مقابل خامه الزرع - که در همین روایات آمده - تأیید می شود. در برخی از این احادیث، در برابر خامه الزرع، «الإِرْزَبَةُ» آمده که به معنای درخت صنوبر است و در برخی دیگر «الإِرْزَبَةُ» و «المِرْزَبَةُ» آمده که به معنای عصای آهنین است.^{۲۸} ویژگی درخت صنوبر و عصای آهنین که در همین روایات نیز به آن‌ها تصریح شده - مستقیم بودن، خم و راست نشدن و غیر منعطف بودن آن است. این که این ویژگی برای چه گروهی است و چه معنایی دارد، مسأله‌ای است که در ادامه روشن خواهد شد.

۲-۳-۲. مراد از خامه الزرع

یافته دیگر در باره معانی مختلف این تمثیل یا به تعبیری مراد از این تمثیل در احادیث یاد شده است. تصور آغازین شاید این است که همه این متون با این تمثیل، یک حقیقت را بیان می کنند، اما بررسی کلی نشان می دهد این احادیث در کنار محور مشترکی که دارند (ویژگی خامه الزرع)، تفاوت هایی نیز با یکدیگر دارند. این تفاوت مربوط به «حوزه کاربرد تمثیل» است. هر تمثیلی در قلمروی خاص قرار می گیرد، اما این قلمرو، الزاماً همیشه یکی نیست و بسته به قابلیت تمثیل، می تواند متعدد باشد. در این احادیث، موضوعی که تمثیل در باره آن وارد شده، واحد نیست. بررسی خانواده حدیث بالا نشان می دهد، تمثیل خامه الزرع در سه حوزه معنایی قرار دارد؛ حوزه بلاها، حوزه دینداری و ایمان و حوزه توانمندی انسان.

نکته بسیار مهم تفاوت مقصود معصوم عليه السلام از تمثیل در هر کدام از این حوزه هاست. هر تمثیل را از دو زاویه می توان مورد بررسی قرار داد: یکی معنا و مراد آن و دیگری ارزش گذاری آن. وقتی مراد از تمثیل مشخص شد، می توان در باره مثبت یا منفی بودن آن داوری کرد. لذا محور تمثیل (نرمش، انعطاف و برگشت پذیری) با این که یک حقیقت مشخص و واحد است، اما وقتی در هر کدام از این سه حوزه کاربرد قرار می گیرد، هم معنایی متفاوت پیدا می کند و هم جهت مثبت یا منفی بودن آن تغییر می کند.

بر همین اساس، در ادامه تمثیل خامه الزرع را بر اساس این تقسیم سه گانه بررسی خواهیم کرد:

۲۸. العین، ج ۷، ص ۴۰۱؛ المحيط فی اللغة، ج ۹، ص ۴۷؛ لسان العرب، ج ۱، ص ۴۱۷؛ مجمع البحرین، ج ۲، ص ۶۹.

۲-۳-۱. تمثیل در حوزه ایمان

برخی احادیث این تمثیل، مربوط به دینداری مؤمن است. این احادیث، سه قسمت کلی دارند که در جدول زیر مشاهده می‌کنید:

منبع	تقسیم‌بندی	گروه اول	گروه دوم
الکافی	المؤمن مؤمنان:	و ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «رَجُلٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ»	وَمُؤْمِنٌ كَخَامَةِ الزَّرْعِ تَعْوَجُ أحياناً، وَتَقُومُ أحياناً، فَذَلِكَ مِمَّنْ تُصِيبُهُ أَهْوَالُ الدُّنْيَا وَالأخْرة، وَذَلِكَ مِمَّنْ يَشْفَعُ لَهُ وَلا يَشْفَعُ
الکافی	المؤمن مؤمنان:	فَذَلِكَ مَعَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، وَحَسَنَ أَوْلِيكَ رَفِيقاً،	وَمُؤْمِنٌ زَلَّتْ بِهِ قَدَمٌ، فَذَلِكَ كَخَامَةِ الزَّرْعِ، كَيْفَمَا كَفَّاتَهُ الرِّيحُ انْكَفَأَ، وَذَلِكَ مِمَّنْ تُصِيبُهُ أَهْوَالُ الدُّنْيَا وَالأخْرة، وَذَلِكَ مِمَّنْ يَشْفَعُ لَهُ وَهُوَ عَلَى خَيْرِ
شرح الاخبار	المؤمنون رجلان	فهمممن قال الله تعالى: من المؤمنين رجال صدقوا ما عاهدوا الله عليه	و مؤمن و مؤمن كخامة الزرع يعوج أحياناً و يقوم و مؤمن أحياناً، فمن يصفه أهوال الدنيا و أهوال الآخرة و هو ممن يشفع له

در این روایات، پس از تقسیم‌بندی، به توصیف دو گروه از مؤمنان اقدام شده است. در باره گروه نخست، سه مطلب آمده است: ویژگی گروه، مستند قرآنی، و ثمره یا پیامد برای گروه. در گروه دوم، دو مطلب آمده است: ویژگی گروه و پیامد آن. نکته مهم در این دسته از احادیث، معنای «خامه الزرع» است. در این روایات، دو گروه از مؤمنان مطرح شده‌اند که اولی بردیگری برتری دارد و خامه الزرع، ویژگی گروه دوم را بیان می‌دارد. ملاصالح مازندرانی، مراد از «عهد» (در ویژگی گروه اول) را «عهد ربوبی و ایمان به خدا و پیامبرش و آنچه او آورده» می‌داند، و مراد از «وفاء به شرط» را نیز عمل به دستورات دینی می‌داند که پیامد آن ایمنی در دنیا و آخرت است. وی توضیح می‌دهد که ایمنی در دنیا سه معنا می‌تواند داشته باشد: یکی ایمنی از اندوه و حسرت و فشار روانی حاصل از فقدان نعمت است؛ زیرا وی اساساً به نعمت‌های دنیا نمی‌اندیشد تا از فقدان آن‌ها ناراحت شود! و دیگری اعم از اندوه فقدان، بلکه شامل ایمنی از مصیبت نیز می‌شود؛ زیرا وی

حوادث ناخوشایند را مصیبت ندانسته، بلکه نعمت می‌داند. و معنای سوم این که وی از مصیبت های ناشی از معصیت ایمن است؛ زیرا گناهی ندارد تا مجازات شود، و البته ممکن است مصیبت برای ترفیع درجه داشته باشد. همچنین وی مراد از «و ذلک ممن یشفع و لا یشفع له» را این می‌داند که آنان از مقربان هستند و هیچ خوف و حزنی بر آنان نیست و لذا نیاز به شفاعت ندارند، اما می‌توانند دیگران را شفاعت کنند.

سپس وی به گروه دوم می‌پردازد و پس از معنا کردن تعبیر خاتمة الزرع، مراد از اعوجاج (تعوج أحياناً و تقوم أحياناً) را تمایل به باطل می‌داند که عبارت است از متاع دنیا، معصیت کردن و پیروی کردن از هوس. و مراد از قیام در جمله «تُقُومُ أحياناً» را بازگشت به حق تفسیر می‌کند که عبارت است از بازگشت به آخرت و طاعت خدا و مخالفت با هوس. وی می‌گوید چنین شخصی با مصائب دنیوی مانند بیماری و سكرات مرگ و نیز با مصائب اخروی مانند مناقشه در محاسبه اعمال و گرفتاری های برزخ مواجه می‌شود، اما با شفاعت نجات می‌یابد؛ بدون این که خود اهل شفاعت کردن باشد.^{۲۹}

مرحوم مجلسی در *مرآة العقول*، مراد از شروط و عهود را «توبه، ایمان، اعمال صالح انجام دادن و هدایت پذیری از معصومان» معنا می‌کند و سپس با اشاره به احتمالاتی که دیگران بیان کرده‌اند، معنایی را که ظهور بیشتری دارد، چیز دیگری می‌داند. وی معتقد است مراد از ایمنی از احوال الدنيا، ایمنی از ارتکاب گناه و معصیت است و قرینه آن، شق مقابل است (که فرد مرتکب معصیت می‌شود). ایشان در بقیه فقرات حدیث، تفسیری مانند تفسیر ملا صالح ارائه کرده است.^{۳۰} ایشان جمله «یعوج أحياناً» را بیان گروجه شبه دانسته و مراد از آن را اعوجاج و متمایل شدن به باطل و متاع دنیا و شهوات نفسانی و مراد از «قیام» را استقامت در راه حق و مخالفت با هوس و وسوسه های شیطان می‌داند.^{۳۱}

از آنچه گذشت، مشخص می‌شود دو گروه مؤمن داریم که در این احادیث توصیف شده‌اند. یکی کسانی که بر عهد ایمان پایدار و مقاوم‌اند و از مسیر حق خارج نمی‌شوند و دیگری کسانی که پایداری کامل ندارند و دچار تغییر حالت می‌شوند. و لذا با یک تقابل «مؤمن - مؤمن» در این روایت مواجه هستیم که یکی خوب و دیگری خوب‌تر است. ویژگی

۲۹. شرح الکافی، ج ۹، ص ۱۸۵ و ۱۸۶.

۳۰. مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۹، ص ۳۰۵؛ بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۱۹۱.

۳۱. بحار الأنوار، ج ۶۴، ص ۱۹۲.

گروه نخست، صدق و وفا است که استقامت و پایداری بر عهد ایمانی و فریفته نشدن به وسوسه های نفسانی و شیطانی است. پیامد آن نیز ایمنی از مصایب هول انگیز دنیا و آخرت است.

اما تمثیل «خامة الزرع» در این احادیث برای توصیف گروه دوم استفاده شده و مراد از آن، اعوجاج و انحراف از راه حق و البته بازگشت به آن است. همان گونه که گذشت، خامة الزرع، مثال کج و راست شدن، و خمیدن و بلند شدن است؛ اما در بستری که این روایات بیان کرده اند (دسته بندی مؤمنان)، معنای اعوجاج و بازگشت می دهد و این در مقایسه با گروه نخست، چندان مثبت نیست؛ هر چند به خاطر خاصیت بازگشت، کاملاً منفی هم نیست. در این گروه، خبری از امنیت نیست و پیامد این حالت، دچار شدن به گرفتاری های هولناک دنیا و آخرت است؛ هر چند مورد شفاعت قرار گرفته و نجات می یابند. هر چند این گروه انحراف دارد، اما به خاطر ویژگی بازگشت و شفاعت، از آنان به عنوان «علی خیر» یاد شده است که نشان می دهد یک گروه کاملاً منفی هم نیستند.

۲-۳-۲. تمثیل در حوزه بلاها

بیشترین احادیث این تمثیل مربوط به حوزه بلاهاست. به لحاظ ساختارشناسی، این روایات، دو بخش کلی دارند که در آن به مقایسه مؤمن با دیگران پرداخته شده است. بخش های ریزتری نیز در آن ها وجود دارد که در جدول زیر گزارش شده است:

منبع	گروه اول	گروه دوم
الکافی مشکاة الانوار	مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ الزَّرْعِ خَامَةً تَكْفِيئُهَا الرِّيحُ كَذَا وَ كَذَا	وَمَثَلُ الْمُنَافِقِ كَمَثَلِ الْإِزْرَةِ الْمُسْتَقِيمَةِ الَّتِي لَا يَصِيبُهَا شَيْءٌ حَتَّى يَأْتِيَهُ الْمَوْتُ، فَيَقْصِفُهُ قِصْفًا الْأَمْرَاضِ
مشکاة الانوار	مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ خَامَةِ الزَّرْعِ تَكْفِيئُهَا الرِّيحُ كَذَا وَ كَذَا	وَمَثَلُ الْمُنَافِقِ كَالْإِزْرَةِ الْمُسْتَقِيمَةِ الَّتِي لَا يَصِيبُهَا شَيْءٌ حَتَّى يَأْتِيَهُ الْمَوْتُ فَيَقْصِفُهُ قِصْفًا
مشکاة الانوار	الْمُؤْمِنُ كَخَامَةِ الزَّرْعِ تَتَكْفَى وَ تَعْدِلُ	وَ الْكَافِرُ كَالْإِزْرَةِ صَحِيحٌ مُصَحَّحٌ حَتَّى يَأْتِيَهُ الْمَوْتُ إِلَى النَّارِ
مشکاة الانوار	إِنَّ مَثَلَ الْمُنَافِقِ كَمَثَلِ جِدْعٍ أَرَادَ صَاحِبُهُ أَنْ يَنْتَفِعَ بِهِ فِي بَعْضِ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ فِي بِتَائِيَةٍ فَلَمْ يَسْتَقِمْ لَهُ فِي ذَلِكَ فَيَحْوِلُهُ إِلَى مَوْضِعٍ آخَرَ فَلَمْ يَسْتَقِمْ لَهُ فَكَانَ آخِرَ ذَلِكَ أَنْ يَخْرِقَهُ بِالنَّارِ	وَمَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ خَامَةِ الزَّرْعِ يَهْبِجُهَا الرِّيحُ فَتَتَكْفَى يَعْنِي يُقَلِّبُهَا الرِّيحُ حَتَّى يَأْتِيَ عَلَيْهَا أَوَائِهَا فَتُحْصَدُ

منبع	گروه اول	گروه دوم
التمحيص	مَثَلُ الْمُؤْمِنِ (مَثَلُ السُّنْبَلَةِ تَخْرُ مَرَّةً وَ تَسْتَقِيمُ أُخْرَى)	وَ مَثَلُ الْكَافِرِ مَثَلُ الْأَزْزَةِ لَا يَزَالُ مُسْتَقِيمًا
جامع الاخبار	مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَالسُّنْبَلَةِ يَحْرِكُهَا الرِّيحُ فَتَقُومُ مَرَّةً وَ تَقَعُ أُخْرَى	وَ مَثَلُ الْكَافِرِ مَثَلُ الْأَزْزَةِ لَا يَزَالُ قَائِمَةً حَتَّى تُتَعَفَّرَ

همان گونه که مشاهده می‌کنید، یک مقایسه بین دو گروه صورت گرفته است؛ در همه متون، در یک سو مؤمن قرار دارد و در سوی دیگر، برخی متون منافق را قرار داده و برخی دیگر کافر را. بنابراین با یک تقابل «مؤمن - منافق» و «مؤمن - کافر» مواجه هستیم که باید در مباحث بعدی مورد بررسی قرار گیرد. آنچه درباره ساختار باید گفت، این که ساختار متن در قسمتی که به مؤمن پرداخته، به دو شکل است: برخی احادیث دو قسمتی هستند و برخی دیگر، تک قسمتی‌اند. توضیح این که در همه آن‌ها یک قسمت عهده‌دار تشبیه مؤمن به خامة الزرع است؛ اما در برخی از آن‌ها افزون بر این، وجه تشبیه آن در زندگی مؤمن نیز ذکر شده که مربوط به وضعیت بلااست. اما بخش منافق/کافر تک قسمتی بوده و فقط تشبیه منافق/کافر به صنوبر یا عصای آهنی وجود دارد.

در بخش مؤمن، ویژگی انعطاف و برگشت‌پذیری، گاه با یک تعبیر «تُكْفِيهَا الرِّيحُ» و مانند آن آمده، و گاه با تعبیرهای ترکیبی «تُكْفِي وَ تَعْدِلُ» و مانند آن، «تَخْرُ-تَسْتَقِيمُ» «تقوم-تقع» آمده است. تعبیر نخست اشاره به این دارد که مؤمن با باد بلا یا همراهی می‌کند و تعبیرهای بعدی اشاره به حالت رفت و برگشت مؤمن در طوفان بلا دارد. به گفته برخی لغت‌شناسان ماده «كفأ» دو معنا دارد: یکی تساوی و همانندی، و دیگری متمایل شدن.^{۳۲} سخن دقیق‌تر آن است که معنای نخست مربوط به وقتی است که با ضم حرف کاف خوانده شود (كُفء) و معنای دوم مربوط به وقتی است که با فتحه خوانده شود (كُفء).^{۳۳} اما کدام یک در روایات خامة الزرع به کار رفته است؟ لغت‌شناسان با اشاره به این احادیث، مشتقاتی را که این ماده در آن‌ها به کار رفته از ریشه «كُفء» دانسته و معنای آن را تحرک و متمایل شدن به چپ و راست، و از سویی به سوی دیگر بیان داشته‌اند.^{۳۴} تعدل از ریشه عدل به معنای

۳۲. معجم مقاییس اللغة، ج ۵، ص ۱۸۹.

۳۳. العين، ج ۵، ص ۴۱۴؛ تهذیب اللغة، ج ۱۰، ص ۲۱۰؛ الصحاح، ج ۱، ص ۶۷؛ لسان العرب، ج ۱، ص ۱۳۹.

۳۴. لسان العرب، ج ۱، ص ۱۲۵؛ تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱، ص ۲۱۵؛ النهایة فی غریب الحدیث والأثر، ج ۳،

اعتدال و اعتدال به معنای حالت میانه در هر چیز است^{۳۵} و بر همین اساس، اینجا مراد از آن بازگشت به حالت ایستادگی پس از خمیده شدن به چپ و راست است. بنابراین، ترکیب «تَنَكَّفِيٌّ وَ تَعْدِلُ» به معنای خمیده شدن به چپ و راست و سپس بازگشت به حالت ایستاده است. ترکیب های دیگر («تَخَرَّ-تستقیم»، «تقوم-تقع») نیز همین معنا را با ادبیات متفاوت و تعبیر مختلف بیان کرده اند.

در بخش منافق/کافر، ویژگی انعطاف ناپذیری، گاه با تک تعبیر «مستقیماً» و گاه با تعبیرهای ترکیبی «المستقيمة-قصف» آمده است. «استقامة» از ماده قوم به معنای قوام داشتن،^{۳۶} معتدل بودن (اعتدال) و راست قرار گرفتن (استواء)^{۳۷} بدون این که به این سو و آن سو حرکت کند. «قصف» نیز به معنای شکسته شدن (انکسار) و دو نیمه شدن است.^{۳۸} در برخی دیگر از روایات، تعبیرهای ترکیبی «صماء معتدلة- یقصمها» آمده است. صماء از ریشه صمم به معنای صلابت، شدت و استحکام است^{۳۹} و لذا لغت شناسان «الارزة صماء» را به صنوبر توپیر که خللی در آن نیست، معنا کرده اند.^{۴۰} قسم نیز به معنای ضعیف و شکننده است.^{۴۱}

در برخی دیگر ترکیب «قَائِمَةٌ - تُتَعَفَّرُ» گزارش شده است. قائمه به معنای ایستاده است که با واژه استقامة تفاوتی ندارد.

از آنچه گذشت، مشخص می شود در مواجهه با بلاها و مقابله با آنها، دو الگوی رفتاری وجود دارد: «مدل سخت» و «مدل نرم». این دو مدل، مربوط به دو گروه کاملاً متقابل اند؛ یعنی مؤمن و منافق، یا مؤمن و کافر؛ برخلاف احادیث پیشین که مربوط به دو گروه از مؤمنان بودند. مرحوم علامه مجلسی نیز فقط به همین تفاوت اشاره کرده و در بقیه مباحث خود، به ترجمه واژه های مهم حدیث پرداخته، اما مانند دسته قبل، به تفسیر و توضیح بیشتر اقدام

۳۵. لسان العرب، ج ۱۱، ص ۴۳۳: المحکم والمحیط، ج ۲، ص ۱۴.

۳۶. تهذیب اللغة، ج ۹، ص ۲۶۹؛ معجم مقاییس اللغة، ج ۵، ص ۴۶؛ النهایة، ج ۴، ص ۱۲۵.

۳۷. الصحاح، ج ۵، ص ۲۰۱۷؛ لسان العرب، ج ۱۲، ص ۴۹۸؛ مجمع البحرین، ج ۶، ص ۱۴۵.

۳۸. معجم مقاییس اللغة، ج ۵، ص ۹۲؛ العین، ج ۵، ص ۶۶؛ لسان العرب، ج ۹، ص ۲۸۳؛ النهایة، ج ۴، ص ۷۳؛ تهذیب اللغة، ج ۸، ص ۲۸۹؛ المحیط فی اللغة، ج ۵، ص ۲۷۰.

۳۹. العین، ج ۷، ص ۹۱؛ الصحاح، ج ۵، ص ۱۹۶۷.

۴۰. لسان العرب، ج ۱۲، ص ۳۴۳؛ النهایة، ج ۳، ص ۵۴؛ المصباح المنیر، ص ۳۴۷.

۴۱. العین، ج ۵، ص ۷۰؛ الصحاح، ج ۵، ص ۲۰۱۳؛ معجم مقاییس اللغة، ج ۵، ص ۹۳؛ النهایة، ج ۴، ص ۷۴؛ لسان العرب، ج ۱۲، ص ۴۸۵.

نکرده است.^{۴۲} در این روایات، ویژگی انعطاف که از خامه الزرع به دست می‌آید، یک معنای مثبت و ارزشمند دارد

۲-۳-۳. تمثیل در حوزه توانمندی

بخش دیگری از این متون، تمثیل خامه الزرع را در توانمندی انسان بیان کرده‌اند که فقط یک مورد در کتاب جامع الاخبار است. به لحاظ ساختاری، این حدیث دو بخش دارد و در هر بخش یک گروه و ویژگی آن را بیان کرده است:

منبع	گروه اول	گروه دوم
جامع الاخبار	مَثَلُ الْمُؤْمِنِ الْقَوِيِّ كَالْتَنُّحْلَةِ	وَمَثَلُ الْمُؤْمِنِ الضَّعِيفِ كَخَامَةِ الزَّرْعِ

این حدیث، خود مؤمن را به دو گونه قوی و ضعیف تقسیم کرده و برای مؤمن ضعیف از تمثیل خامه الزرع استفاده کرده است. در این حدیث نیز همانند تمثیل در حوزه ایمان، با یک تقابل «مؤمن-مؤمن» مواجه هستیم و ویژگی انعطاف، نه برای منافق یا کافر، بلکه برای توصیف گروهی از مؤمنان بیان شده است. در این حدیث، ویژگی انعطاف به معنای ضعف و ناتوانی استفاده شده است. لذا به جهت ارزش‌گذاری، منفی شمرده می‌شود.

۳. بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش را در دو حوزه می‌توان مورد بحث و بررسی قرار داد: یکی حوزه فقه الحدیث و دیگری حوزه کاربری و عمل به روایت. در حوزه نخست - که مسأله روش فهم حدیث مطرح است - این نکته قابل بحث است که چرا تمثیل خامه الزرع (و نیز السنبله) در احادیث یازده گانه توصیف مؤمن، معنایی یکسان، اما مرادی متفاوت دارند؟! معنای آن انعطاف و نرمی است؛ اما مراد و مقصود معصوم علیه السلام از آن در برخی متون با برخی دیگر کاملاً متفاوت است. نکته مهم این که تفاوت مراد معصوم از تمثیل، به جهت تفاوت زمینه کاربرد تمثیل است. وقتی زمینه کاربری تغییر می‌کند، مراد از آن نیز متفاوت می‌شود. آن گاه که تمثیل خامه الزرع و السنبله در باره بلاها است، مراد از آن انعطاف مثبت در برابر یک حادثه قطعی و پذیرش آن است که به منظور تأمین ایمنی و جلوگیری از شکسته شدن صورت می‌گیرد و لذا یک ارزش به شمار می‌رود؛ اما آن گاه که در باره ایمان است، مراد از آن سست عنصری و کوتاه آمدن در برابر فشارها و در نتیجه از دست دادن ایمان است که امری

۴۲. مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۹، ص: ۳۴۷؛ بحار الأنوار، ج ۴، ص ۲۱۷.

نامطلوب و ضد ارزش به شمار می‌رود. آنچه از این می‌توان نتیجه گرفت، این که یک تمثیل می‌تواند در زمینه‌ها و موضوع‌های متفاوت به کار برده شود و معنایی متفاوت دهد. شبیه این را می‌توان در ضرب المثل «الجار ثم الدار» دید که در برخی روایات مشاهده می‌شود. برخی در این باره سه احتمال بیان کرده‌اند: (۱) پیش از آن‌که به امور ضروری خانه خود رسیدگی کنید، در رفع احتیاجات همسایه بکوشید؛ (۲) اگر می‌خواهید خانه‌ای بخرید یا اجاره کنید، ابتدا درباره اخلاق و رفتار همسایه‌ها تحقیق کنید؛ (۳) در هنگام درخواست دعا، همسایه را بر خویش مقدم دارید. و سپس این پرسش را مطرح کرده‌اند که کدام یک از این سه معنا صحیح است؟ آیا می‌توان هر سه را پذیرفت؟ آیا دلیلی بر ترجیح یکی از احتمال‌ها بر دو احتمال دیگر وجود دارد؟ با توجه به آنچه گذشت، مشخص می‌شود که باید بین معنای ضرب المثل - که معنای آن تقدم همسایه بر خانه است - و مراد معصوم از آن تفاوت قایل شد. مراد معصوم از آن بسته به زمینه کاریست آن دارد. اگر در زمینه دعا کردن برای خود یا دیگران باشد، به معنای مقدم داشتن دیگران بر خود است؛ چنان که در حدیث معروف حضرت فاطمه علیها السلام آمده است.^{۴۳} و اگر در زمینه تهیه مسکن باشد، به معنای مقدم داشتن بررسی از همسایه بر بررسی خانه؛ چنان که می‌توان آن را در برخی مواضع لقمان به فرزندش مشاهده کرد.^{۴۴} از این رو، برخی آن را در باب «کراهة مجاورة جار السوء» قرار داده‌اند.^{۴۵}

و اما حوزه دوم - که جای بحث از مفاد حدیث و عمل به آن است - مراد از تمثیل قابل بحث است. همان گونه که پیش‌تر گذشت، تمثیل در دو موضوع به کار گرفته شده است: بلاها و ایمان. مراد از تمثیل در موضوع بلاها، انعطاف در برابر یک حادثه قطعی و پذیرش آن است که به منظور تأمین ایمنی و جلوگیری از شکسته شدن صورت

۴۳. عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ أَخِيهِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام قَالَ: رَأَيْتُ أُمَّيَ فَاطِمَةَ عليها السلام قَامَتْ فِي مَخْرَابِهَا لَيْلَةً جُمِعَتْهَا فَلَمْ تَزَلْ رَاكِعَةً سَاجِدَةً حَتَّى أَتَّصَحَّ عَمُودُ الصُّبْحِ وَ سَمِعْتُهَا تَدْعُو لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ تُسَمِّيهِمْ وَ تُكْثِرُ الدُّعَاءَ لَهُمْ وَ لَا تَدْعُو لِنَفْسِهَا بِشَيْءٍ، فَقُلْتُ لَهَا: يَا أُمَّة! لِمَ لَا تَدْعِينَ لِنَفْسِكَ كَمَا تَدْعِينَ لِغَيْرِكَ؟ فَقَالَتْ: يَا بَنِي الْجَارِ ثُمَّ الدَّارِ.

عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ: كَانَتْ فَاطِمَةُ عليها السلام إِذَا دَعَتْ تَدْعُو لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ لَا تَدْعُو لِنَفْسِهَا، فَقِيلَ لَهَا: يَا بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ! صِبْكَ تَدْعِينَ لِلنَّاسِ وَ لَا تَدْعِينَ لِنَفْسِكَ؟ فَقَالَتْ: الْجَارُ ثُمَّ الدَّارُ (علل الشرايع، ص ۱۸۲، ح ۱ و ۲؛ رك: روضة الواعظين، ج ۲، ص ۳۲۹).

۴۴. يَا بَنِي! الْجَارُ ثُمَّ الدَّارُ، يَا بَنِي! الرَّفِيقُ ثُمَّ الطَّرِيقُ (الاختصاص، ص ۳۳۷).

۴۵. مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۴۳۰.

می‌گیرد و یک ارزش به شمار می‌رود. این مراد را در دیگر متون نیز می‌توان یافت. به عنوان نمونه رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

المؤمنون هينون لينون كالجمل الأتيف الذي إن قيد انقاد، وإذا انيخ على صخرة استناخ.^{۴۶}

این متن، دو بخش کلی دارد: یکی معرفی ویژگی (المؤمنون هينون لينون) و دیگری تفسیر آن (كالجمل... استناخ). بخش نخست با دو واژه، یک ویژگی مطرح کرده که عبارت از انعطاف‌پذیری است. در بخش دوم این ویژگی را در قالب تشبیه، در دو حوزه مهم توصیف کرده است: یکی فرامین که مربوط به حوزه قوانین است و دیگری سختی‌ها که مربوط به حوزه حوادث زندگی است. در حوزه فرامین، فرد منعطف و نرم، اهل اطاعت است و در حوزه حوادث، اهل تحمل و صبر.

در حدیثی از امام علی عليه السلام نیز چنین آمده است:

إنَّ لِلتَّكْبَاتِ غَايَاتٍ لَا يُدَّ أَنْ تَنْتَهِيَ إِلَيْهَا، فَإِذَا حُكِمَ عَلَيَّ أَحَدِكُمْ بِهَا فَلِيَطَّأُهَا وَيَصْبِرُ حَتَّى يَجُوزَ، فَإِنَّ إِعْمَالَ الْحِيلَةِ فِيهَا عِنْدَ إِقْبَالِهَا زَائِدٌ فِي مَكْرُوهِهَا.^{۴۷}

این روایت تأکید می‌کند یکی از واقعیت‌های سختی‌ها، «برگشت‌ناپذیری» آن‌هاست. سختی‌ها بر اساس تقدیر الهی، شکل می‌گیرند و تقدیر الهی بر اساس حکمت و مصلحت انسان‌ها رقم می‌خورد. از این رو، وقتی پدیده ناخوشایندی فرارسد، تا مأموریت خود را انجام ندهد و به اهداف خود دست نیابد، باز نخواهد گشت. امام علی عليه السلام با تکیه بر اصل برگشت‌ناپذیری سختی‌ها، پذیرش موقعیت را شرط گذر سالم از آن برمی‌شمرد.

همین مطلب در نقل دیگری به این شکل آمده است:

إِذَا أَتَتْكَ الْحَيْنُ فَاقْعُدْ لَهَا فَإِنَّ قِيَامَكَ فِيهَا زِيَادَةٌ لَهَا.^{۴۸}

۴۶. الزهد لابن المبارك، ص ۱۳۰ ح ۳۸۷؛ الکافی، ج ۳، ص ۵۹۳ ح ۱۴.

۴۷. تحف العقول، ص ۲۰۱؛ التمهيد، ص ۶۴ ح ۱۴۷. این کلام، به گونه دیگری نیز نقل شده است و چنان پرمغزو راه‌گشااست که احنف بن قیس می‌گوید: بعد از سخن پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ کلامی زیباتر از این سخن امیرالمؤمنین عليه السلام نشنیدم که می‌گوید: إِنَّ لِلتَّكْبَاتِ نَهَايَاتٍ لَا يُدَّ لِأَخِي إِذَا نُكِبَ مِنْ أَنْ يَنْتَهِيَ إِلَيْهَا، فَيَنْبَغِي لِلْعَاقِلِ إِذَا أَصَابَتْهُ نَكْبَةٌ أَنْ يَنَامَ لَهَا حَتَّى تَنْقُضِي مُدَّتَهَا فَإِنَّ فِي دَفْعِهَا قَبْلَ انْقِضَائِ مُدَّتِهَا زِيَادَةٌ فِي مَكْرُوهِهَا (تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۵۱۴؛ المناقب، خوارزمی، ص ۳۶۴، ح ۳۸۰).

۴۸. غررالحکم، ح ۱۷۷۹.

البته منظور از پذیرش سختی، تسلیم شدن منفعلانه و زمین گیر شدن نیست؛ منظور، پذیرش فعال و پویاست. در این نوع پذیرش، فرد، زمین گیر و ناتوان نمی شود، بلکه بهترین مقابله را برای موقعیت پیش آمده طراحی می کند. شاید بتوان گفت که بهترین بیان را در این باره، امام علی علیه السلام دارند.

حضرت در این باره می فرماید:

إِيَاكَ وَالْجَزَعَ فَإِنَّهُ يَقْطَعُ الْأَمَلَ وَيَضَعِفُ الْعَمَلَ وَيُورِثُ الْهَمَّ. وَاعْلَمْ أَنَّ الْمَخْرَجَ فِي أَمْرَيْنِ، مَا كَانَتْ فِيهِ حِيلَةٌ فَلِالْحَيْثِيَالِ وَمَا لَمْ تَكُنْ فِيهِ حِيلَةٌ فَلِالْإِصْطِبَارِ.^{۴۹}

شاید همه این ها را بتوان در اصل «تسلیم» گنجانند که بحثی مستقل بوده و باید در جای خود به آن پرداخت. آنچه اینجا مهم است، روشن شدن این حقیقت است که تسلیم در برابر حوادث، به انعطاف و نرمش در برابر آن هاست. امروزه در روان شناسی نیز یک روش درمانی مبتنی بر «پذیرش و تعهد» وجود دارد که هسته مرکزی آن انعطاف پذیری روان شناختی^{۵۰} است. و یا مفهوم دیگری وجود دارد که تاب آوری^{۵۱} نامیده می شود و معنای اصلی آن انعطاف و برگشت پذیری به حالت اول پس از یک حادثه است. ذکر این مختصر برای آن بود که مشخص شود این ویژگی - که در قالب تمثیل خامه الزرع از دیرباز در احادیث اسلامی آمده - از موضوعات مهمی است که در زندگی نقش اساسی داشته و دانش روز نیز به آن پی برده است.^{۵۲}

و اما تمثیل خامه الزرع در بستر ایمان، معنای منفی دارد و مراد از آن عدم ثبات و پایداری است. این ویژگی با مفهوم «ذلت» - که به معنای نرمی و نفوذ پذیری است - نزدیک است.^{۵۳} شاید تعبیر «همج رعاع» در کلام امیرالمؤمنین علیه السلام نیز به همین حقیقت اشاره داشته باشد.^{۵۴} در مقابل این ویژگی، در خود آن روایات تعبیرهای «وفا» و «صدق» آمده است. هر چند صدق

۴۹. دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۲۲۳؛ الجعفریات، ص ۲۳۴؛ بحار الأنوار، ج ۸۲، ص ۱۴۴، ح ۲۹.

50. Psychological flexibility.

51. Resilience.

۵۲. مفاهیم دیگری مانند «مدارا» و «لین جانب» و مانند آن ها نیز وجود دارند که برویگی انعطاف دلالت دارند، اما موضوع آن ها سختی و بلان بوده به حوزه روابط و تعامل اجتماعی ارتباط دارند. از این رو به آن ها اشاره نکردیم.

۵۳. رک: «الگوی نظری مداخله "انعطاف-نفوذناپذیری" در خانواده درمان گری سیستمی معنوی برای مدیریت مرزهای خانواده براساس حدیث "العزیزة"».

۵۴. النَّاسُ ثَلَاثَةٌ عَالِمٌ رَبَّانِيٌّ وَمُتَعَلِّمٌ عَلَى سَبِيلِ نَجَاةٍ وَهَمَجٌ رَعَاةٌ أَتْبَاعُ كُلِّ نَاعِقٍ يَمِيلُونَ مَعَ كُلِّ رِيحٍ (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۷؛ الخصال، ص ۱۸۶).

ضد کذب است، اما معنای اصلی آن قوه و صلابت است.^{۵۵} ریشه اصلی وفا نیز کمال و تمام بوده و به معنای بلوغ در کمال است و در مورد ما به معنای آن است که عهد و شروط را به طور کامل به جای آورده است.^{۵۶}

این مفهوم در دیگر روایات با تعبیر «أَعَزَّ» یا «أَصْلَب» آمده است؛ به عنوان نمونه، امام صادق علیه السلام می فرماید:

إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَعَزُّ مِنَ الْجَبَلِ، إِنَّ الْجَبَلَ يَسْتَقَلُّ مِنْهُ بِالْمَعَاوِلِ^{۵۷} وَالْمُؤْمِنُ لَا يَسْتَقَلُّ مِنْ دِينِهِ شَيْءٌ.^{۵۸}

این حدیث دو قسمت کلی دارد: یکی بیان ویژگی مؤمن (إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَعَزُّ مِنَ الْجَبَلِ) و دیگری تفسیر و توضیح آن (إِنَّ الْجَبَلَ يَسْتَقَلُّ مِنْهُ بِالْمَعَاوِلِ... دِينِهِ شَيْءٌ). در قسمت نخست بریک ویژگی انسانی، یعنی محکم تر بودن و نفوذناپذیرتر بودن مؤمن نسبت به کوه تصریح شده و در قسمت دوم وجه این برتری توضیح داده شده است. همین حقیقت از امام باقر علیه السلام به شکلی دیگر بیان شده است:

الْمُؤْمِنُ أَصْلَبُ مِنَ الْجَبَلِ، الْجَبَلَ يَسْتَقَلُّ مِنْهُ، وَالْمُؤْمِنُ لَا يَسْتَقَلُّ مِنْ دِينِهِ شَيْءٌ.^{۵۹}

مفاهیمی مانند استقامت در قرآن کریم و حدیث نیز به همین حقیقت اشاره دارد.^{۶۰} توضیح این که از مشکلاتی که انسان در طول زندگی با آن مواجه می شود، تهدید ایمان و باورهای اوست. مسأله اساسی در اینجا حفظ و حراست از این سرمایه اصلی است. سؤال این است که چگونه می توان از آن مراقبت کرد؟ حراست و مراقبت بستگی تام به ویژگی های فرد دارد، نه چیز دیگر. یک ویژگی، انعطاف و نرمی در مواجهه با پدیده های معارض است. نتیجه این ویژگی، بازکردن راه نفوذ و تأثیرپذیری از آن هاست که منجر به کاهش باورها می شود؛ اما ویژگی دیگر، سرسختی و مقاومت در برابر این پدیده هاست. این ویژگی موجب سد کردن راه نفوذ پدیده های معارض می شود و آن ها را از تهدید ایمن و از

۵۵. معجم مقاییس اللغة، ج ۳، ص ۳۳۹؛ رک: الصحاح، ج ۴، ص ۱۵۰۶؛ لسان العرب، ج ۱۰، ص ۱۹۴.

۵۶. العين، ج ۸، ص ۴۰۹؛ معجم مقاییس اللغة، ج ۶، ص ۱۲۹؛ مفردات الفاظ القرآن الکریم، ص ۸۷۸؛ النهایة، ج ۵، ص ۲۱۱.

۵۷. المعاول: جمع مغول و هی الفأس العظيمة التي ينقر بها الصخر/ لسان العرب، ج ۱۱، ص ۴۸۷ «عول».

۵۸. الکافی، ج ۵، ص ۶۳ ح ۱؛ تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۱۷۹ ح ۳۶۷.

۵۹. الکافی، ج ۳، ص ۶۱۲.

۶۰. رک: حکمت نامه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، ج ۸، ص ۲۹۷، فصل سی و دوم «الاستقامة».

تعرض مصون می‌سازد.

جمع این دو تمثیل و نیز روایاتی که در باره هر کدام وجود دارد، این است که انسان باید هنگام بلا و سختی، منعطف بوده و قدرت پذیرش و تحمل داشته باشد و هنگام تهدید ایمان، منعطف نبوده و سرسخت و مقاوم باشد. این نشان می‌دهد که اولاً انعطاف، یک ویژگی است که انسان می‌تواند از آن برخوردار باشد؛ اما مهم‌تر آن که این ویژگی باید تحت کنترل و مدیریت قرار گیرد. مهم است که بدانیم در چه موقعیتی باید انعطاف داشت و در چه مواردی نباید منعطف بود. این می‌تواند یافته مهمی برای نظام تعلیم و تربیت و دانش روان‌شناسی و حتی اخلاق باشد. تنظیم انعطاف در انسان‌ها در سنین مختلف، ظرافت‌ها و پیچیدگی‌های خاص خود را دارد که لازم است دانشمندان اخلاق و تربیت و روان‌شناسی، مطالعات و تحقیقات مفصلی در باره آن انجام دهند و دستورالعمل‌های مشخص آن را استخراج نمایند.

کتاب‌نامه

- الإیتقان فی علوم القرآن، جلال الدین سیوطی، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۲۱ق.
- الاختصاص، منسوب به اَبی عبدالله محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی معروف به شیخ مفید، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، چاپ چهارم، ۱۴۱۴ق.
- از قرآن بیشتر بدانیم، مهدی خسروی سرشکی، قم: انتشارات دارالحدیث، ۱۳۹۵ش.
- امثال القرآن، علی اصغر حکمت، تهران: بنیاد قرآن، چاپ دوم، ۱۳۶۱ش.
- بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، بیروت: مؤسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
- تاج العروس من جواهر القاموس، زبیدی (م ۱۲۰۵ق)، به کوشش: علی شیری، بیروت: دارالفکر للطباعة والنشر، ۱۴۱۴ق.
- تاریخ مدینه دمشق، «ترجمة الإمام الحسن عليه السلام»، ابن عساکر دمشقی، تحقیق: محمد باقر محمودی، بیروت: مؤسسه المحمودی، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
- تحف العقول، حسن بن علی خزانی (ابن شعبه) (م ۳۸۱ق)، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرّسين، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
- التمهيد، محمد بن همام اسکافی (م ۳۳۶ق)، قم: مدرسة الإمام المهدي (عج)، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.
- تهذيب الأحكام، محمد بن حسن طوسی (م ۴۶۰ق)، بیروت: دارالتعارف، چاپ اول،

- ۱۴۰۱ق. تهذیب اللغة، محمد بن احمد ازهری (م ۳۷۰ق)، تحقیق: عبد السلام محمد هارون، تصحیح: محمد علی النجار، بیروت: دار الصادق.
- جامع الأخبار (شعیری) الأخبار (معارج الیقین فی أصول الدین)، محمد بن محمد سبزواری (ق ۷ق)، تحقیق: علاء آل جعفر، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام لإحياء التراث، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
- الجعفریات (الأشعثیات)، أبو الحسن محمد بن محمد بن اشعث كوفي، تهران: مكتبة نينوى، طبع في ضمن قرب الإسناد.
- حكمت نامه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، محمد محمدی ری شهری با همکاری جمعی از پژوهشگران، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۶ش.
- الخصال، أبو جعفر محمد بن علی بن بابويه (م ۳۸۱ق) تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ق/۱۳۶۲ش.
- دانشنامه قرآن و حدیث، محمد محمدی ری شهری و دیگران، قم: دارالحدیث، ۱۴۳۲ق/۱۳۹۰ق.
- دعائم الإسلام، أبو حنیفة نعمان تمیمی مغربی، قاهره: دار المعارف، ۱۳۸۹ق.
- روش فهم حدیث، عبد الهادی مسعودی، تهران: سمت، دانشکده علوم حدیث، ۱۳۸۴ش.
- روضة الواعظین، محمد بن حسن بن علی فتال نیشابوری (م ۵۰۸ق)، تحقیق: حسین الأعلمی، بیروت: مؤسسه الأعلمی، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
- الزهد، لابن المبارك، أبو عبد الرحمن عبد الله بن مبارك حنظلي مروزي (م ۱۸۱ق)، تحقیق: حبيب الرحمن الأعظمی، بیروت: دار الكتب العلمية، ۱۳۸۶ق.
- شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار عليهم السلام، قاضی ابو حنیفة نعمان بن محمد تمیمی مغربی، تحقیق: سید محمد حسینی جلالی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- شرح الكافي - الأصول والروضة، ملا صالح مازندرانی، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران: المكتبة الاسلامية للنشر والتوزيع، ۱۳۴۲ش/۱۳۸۲ق.
- الصحاح (تاج اللغة وصحاح العربية)، إسماعيل بن حماد الجوهري (م ۳۹۸ق)، تحقیق: أحمد بن عبد الغفور عطار، بیروت: دار العلم للملايين، چاپ چهارم، ۱۴۱۰ق.
- علل الشرايع، ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن بابويه قمی معروف به شیخ صدوق

- (۳۸۱ق)، بیروت: دار احیاء التراث، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
- العین، خلیل بن احمد فراهیدی (م۱۷۵ق)، تحقیق: مهدی مخزومی، قم: دار الهجرة، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
- غررالحکم، عبدالواحد آمدی تمیمی (م۵۵۰ق)، تحقیق: میرسید جلال الدین محدث ارموی، تهران: دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۰ش.
- فقه الحدیث ۳، عباس پسندیده، قم: دارالحدیث، چاپ اول، ۱۳۹۸ش.
- الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۸۷ش/۱۴۳۰ق.
- لسان العرب، ابن منظور محمد بن مکرم، بیروت، بی نا، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق،
- مثل های آسمانی، علی اسعدی، قم: انتشارات دارالحدیث، چاپ اول، ۱۳۸۳ش.
- مجمع البحرین، فخرالدین طریحی، تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیه، قم: مؤسسه بعثت، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
- المحاسن، أبو جعفر احمد بن محمد بن خالد برقی (م۲۸۰ق)، تحقیق: سید جلال الدین حسینی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، سید مهدی رجائی، قم: المجمع العالمی لأهل البيت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
- المحیط فی اللغة، صاحب بن عباد طالقانی (م۳۸۵ق)، تحقیق: محمد حسن آل یاسین، بیروت: عالم الکتب، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
- مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، محمدباقر مجلسی (م۱۱۱۱ق)، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، طهران: دارالکتب الإسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۷۰ش.
- مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، تحقیق: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.
- مشكاة الأنوار فی غرر الأخبار، علی بن حسن طبرسی، تحقیق: مهدی هوشمند، قم: دار الحدیث، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
- المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير، أبو العباس احمد بن محمد بن علی فیومی رافعی (م۷۷۰ق)، قم: مؤسسه دار الهجرة، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
- معجم مقاییس اللغة، ابن فارس (م۳۹۵ق)، قم: مكتبة الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
- المناقب، موفّق بن احمد بکری مکی حنفی خوارزمی (م۵۶۸ق) تحقیق: مالک محمودی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.

- منطق فهم حدیث، سید محمد کاظم طباطبایی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۰ ش.
- میزان الحکمة، محمد محمدی ری شهری، ترجمه: حمیدرضا شیخی، قم: دار الحدیث، چاپ دوم، ۱۳۷۷ ش.
- النهایة فی غریب الحدیث والأثر، مبارک بن مبارک جزری (ابن اثیر) (م ۶۰۶ ق)، تحقیق: طاهر احمد الزاوی، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ ش.
- نهج البلاغه، محمد بن حسین موسوی (شریف رضی) (م ۴۰۶ ق)، تصحیح: محمد عبده، بیروت: مؤسسه الأعلمی.
- «الگوی نظری مداخله "انعطاف-نفوذناپذیری" در خانواده درمانگری سیستمی معنوی برای مدیریت مرزهای خانواده براساس حدیث "العزیزة"» فصلنامه علوم حدیث، بهار ۱۳۹۷، ش ۸۷.

